

امکان سنجی توافق بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران

محمد مجد کابری *

اعظم انصاری **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2020.104979.1677

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

چکیده

امروزه شروط مندرج در قراردادهای به‌ویژه قراردادهای تجاری بین‌المللی در خصوص تعیین دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی احتمالی آینده بسیار مهم است. توافق طرفین قرارداد بر تعیین دادگاه صالح، گرچه با استناد به اصل حاکمیت اراده و رعایت منافع طرفین قابل قبول به نظر می‌رسد و در برخی نظام‌های حقوقی یا اسناد بین‌المللی صراحتاً به رسمیت شناخته شده، اعتبار آن به دلیل نبود مقرر صریحی در این موضوع و ضعف رویه قضایی در حقوق ایران، مورد تردید است. این تردید در خصوص شرط سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایرانی جدی‌تر است. مقاله حاضر به این نکته پرداخته است که گرچه در خصوص توافق بر صلاحیت دادگاه ایرانی در رسیدگی به دعوا، حقوق ایران همگام با سایر نظام‌های حقوقی چنین شرطی را معتبر می‌داند، در مورد توافق بر سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایرانی دیدگاه مضیق‌تری اتخاذ کرده و تنها در صورتی که موضوع، با موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران مرتبط نباشد چنین توافقی را معتبر می‌داند.

واژگان کلیدی

دعاوی بین‌المللی، دادگاه صالح، صلاحیت محلی، توافق بر صلاحیت، حاکمیت اراده

* kabry.mohammedmjed@mail.um.ac.ir

** aansari@um.ac.ir

* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد

** نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

امروزه به موازات توسعه روابط خصوصی بین‌المللی، بر حجم قراردادهای تجاری بین‌المللی افزوده شده و بخش زیادی از وقت دادگاه‌ها در کشورهای مختلف، مصروف تفسیر و اعمال شروط مفصل مندرج در این قراردادها می‌شود. در میان این شروط مفصل و متعدد مندرج در قراردادها و شرط توافق بر قانون حاکم بر قرارداد، شرط توافق بر دادگاه صالح نیز رواج دارد. این شرط که در واقع، سلب صلاحیت از دادگاهی است که در اصل می‌تواند به دعاوی احتمالی آینده رسیدگی کند و اعطای این صلاحیت به دادگاهی است که در اصل، صالح به رسیدگی نبوده، اهمیت ویژه‌ای دارد. از یک سو، توجه و رعایت شرط مزبور از اقتضات احترام به اراده طرفین و رعایت اصل حاکمیت اراده است؛ از سوی دیگر، اجرای این شرط، به ظاهر سلب صلاحیت از دادگاه‌های یک کشور و به نوعی خدشه به قدرت حاکمیتی آن است. همین ملاحظات منجر به اختلاف نظر در خصوص صحت و اعتبار این گونه شروط و چگونگی مواجهه دادگاه‌ها در فرض مشاهده چنین شروطی شده است. این موضوع گرچه اهمیت بسیاری دارد، چندان در حقوق ایران مورد توجه قرار نگرفته و شاید یکی از دلایل این امر، کمی طرح دعاوی تجاری بین‌المللی در دادگاه‌های ایران و در نتیجه، عدم مواجهه دادگاه‌های ایران با چنین شروطی باشد و به همین دلیل نیز قانونگذار ایران برخلاف سایر هم‌تایان خود در برخی کشورها صراحتاً در این خصوص تعیین تکلیف نکرده است. با توجه به این ابهام، مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا شرط توافق بر صلاحیت دادگاه به‌ویژه در مواردی که این شرط در صدد سلب صلاحیت رسیدگی از دادگاه‌های ایران و اعطای آن به دادگاه‌های کشور خارجی است معتبر محسوب می‌شود؟ در این راستا از آنجا که سلب صلاحیت آثار شرط صلاحیت قضایی محسوب می‌شود و برخاسته از اراده اشخاص است مقاله در بخش مقدماتی به تعریف شرط صلاحیت قضایی و تاریخچه نقش اراده اشخاص در تعیین این صلاحیت می‌پردازد. در قسمت بعدی، موضوع اصلی مقاله یعنی صلاحیت توافقی دادگاه‌ها در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه اعتبار صلاحیت توافقی هم در خصوص دعاوی داخلی و هم دعاوی بین‌المللی محل بحث است در این بخش، ابتدا توافق برخلاف قواعد صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی داخلی، سپس توافق برخلاف قواعد صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی بین‌المللی در دو بخش مجزای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ایران و سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران بررسی و ضمن مباحث، یکی از آرا در این موضوع نقد و بررسی می‌شود. از آنجا که برای بررسی امکان سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران، توجه به ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی که به موضوع ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر می‌پردازد ضروری است، بخشی از مقاله به موضوع ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر می‌پردازد. مبحث پایانی مقاله، یکی از راهکارهای

ارائه شده برای انتخاب دادگاه صالح برای رسیدگی (استفاده از اقامتگاه انتخابی) را بررسی می‌کند تا روشن شود آیا می‌توان از این راهکار به‌جای شرط صلاحیت قضایی استفاده کرد.

۱. تعریف شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی

امروزه اطراف قراردادهای بین‌المللی، توانایی قابل توجهی برای انتخاب دادگاه صالح به منظور رسیدگی به اختلافات احتمالی آتی خود دارند. این توافق می‌تواند در قالب شرط قراردادی باشد که محل دادرسی مشخصی را برای رسیدگی به دعاوی احتمالی آینده تعیین می‌کند.^۱ برخی حقوق‌دانان در تعریف شرط صلاحیت قضایی^۲ بیان کرده‌اند: «توافقی است که به موجب آن، طرفین از میان دادگاه‌های کشورهای مختلف، دادگاه‌های یک یا چند کشور معین را که علی‌الاصول صلاحیت رسیدگی به اختلاف آن‌ها را ندارد، برای رسیدگی به دعاوی موجود یا آتی که ممکن است از رابطه حقوقی آن‌ها ناشی شود، انتخاب می‌کنند. بر این اساس، برخلاف شرط داوری که رسیدگی به دعاوی به قضات خصوصی محول می‌شود، شرط صلاحیت قضایی، قضات دولتی را برای رسیدگی و صدور حکم، صالح می‌داند».^۳

تعریف فوق بر این مسئله تأکید دارد که اطراف قرارداد می‌توانند به‌وسیله توافق صلاحیت، صلاحیت را به دادگاه فاقد صلاحیت اعطا و صلاحیت دادگاهی را که صلاحیت‌دار است سلب کنند. در هر حال، این تعریف از مسئله بسیار مهمی غافل مانده و آن اینکه اشخاص در توافق صلاحیت ممکن است بر رسیدگی دادگاه صلاحیت‌دار توافق کنند. به عبارت دیگر، اشخاص در توافق صلاحیت ممکن است دادگاه فاقد صلاحیتی را انتخاب کنند و نیز ممکن است دادگاهی را که در اصل صلاحیت‌دار است به‌عنوان دادگاه رسیدگی‌کننده انتخاب کنند.^۴ در توضیح حالت دوم باید گفت قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعد یک‌جانبه‌اند و هر کشوری قواعد صلاحیت خود را برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی تعیین می‌کند و در این تعیین صلاحیت، این موضوع را که آیا دادگاه‌های کشورهای دیگر خود را صالح به رسیدگی می‌دانند یا خیر، مدنظر قرار نمی‌دهد. نتیجه چنین رویکردی این است که ممکن است برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی، دادگاه‌های کشورهای مختلفی صالح به رسیدگی باشند. لذا اطراف دعوا برای رفع اختلاف احتمالی در مورد دادگاهی که باید دعوی آن‌ها در آنجا مطرح و رسیدگی شود، یکی از دادگاه‌های صلاحیت‌دار را - در قالب شرط صلاحیت به‌عنوان دادگاه صالح به رسیدگی انتخاب می‌کنند.

1. Clermont, Kevin M., "Governing Law on Forum-Selection Agreements", *Hastings Law Journal*, Vol. 66, 2015, p. 645.

2. Jurisdiction Clause

۳. شایگان، اسماعیل؛ شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷، ص ۲۷.

۴. محمد خلیل و خالد عبدالفتاح؛ تعاضم دور الاراده فی القانون الدولی الخاص، دارالنهضة العربیه، ۲۰۱۴، ص ۱۹۳.

انتخاب دادگاه صلاحیت‌دار و دادگاه فاقد صلاحیت در قالب شرط صلاحیت، آثار متفاوتی دارد. در موردی که اشخاص، دادگاه غیرصالحی را به‌عنوان دادگاه صلاحیت‌دار به رسیدگی انتخاب می‌کنند چنانچه این شرط پذیرفته شود، این توافق منشأ اثر بوده و به دادگاه، صلاحیت رسیدگی اعطا می‌کند. در این صورت، چنانچه توافق مزبور باطل بوده، برای دادگاه فاقد صلاحیت، صلاحیتی ایجاد نمی‌شود، در حالی که وقتی اطراف دعوا، دادگاهی را که در اصل صلاحیت‌دار است در قالب شرط صلاحیت به‌عنوان دادگاه رسیدگی‌کننده انتخاب می‌کنند، انتخاب مزبور اثر کاشف دارد و هدف از تعیین دادگاه صلاحیت‌دار در توافق صلاحیت این است که دعوی مورد توافق توسط دادگاه منتخب و نه در دادگاه صلاحیت‌دار دیگری حل‌وفصل شود. در این صورت بطلان توافق، بر صلاحیت دادگاه منتخب تأثیری نخواهد داشت چرا که خود دادگاه در اصل، صلاحیت‌دار محسوب می‌شود.^۵

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که در تعریف شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی می‌توان گفت: «توافقی است که در آن اشخاص در مورد قرارداد حقوقی بین‌المللی، قبل از بروز اختلاف یا بعد از آن، دادگاه یا دادگاه‌های معینی را برای حل‌وفصل اختلافات ناشی از قرارداد مزبور انتخاب می‌کنند؛ صرف‌نظر از اینکه دادگاه منتخب در اصل فاقد صلاحیت بوده یا خیر».

شرط صلاحیت قضایی نقش دوجانبه‌ای دارد؛ از یک سو از دادگاه صلاحیت‌دار سلب صلاحیت می‌کند و از سوی دیگر به دادگاه صلاحیت‌دار دیگری یا دادگاه فاقد صلاحیت، صلاحیت اعطا می‌کند.

۲. تاریخچه نقش اراده اشخاص در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

امروزه به‌طور کلی می‌توان گفت اصل آزادی اراده اطراف قرارداد در تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی در حقوق کشورهای دنیا پذیرفته شده است. «نفوذ آزادی اراده در قراردادهای بین‌المللی سبب شده شرط دادگاه صالح، مانند شرط قانون صالح، همراه با این شرط یا به‌تنهایی، در این‌گونه قراردادها مرسوم شود».^۶ با این حال، میزان رواج این دو نوع شرط (قانون حاکم و دادگاه صالح) در جامعه بین‌المللی یکسان نیست؛ به این معنی که اگر در زمینه نفوذ شرط قانون حاکم برای حل‌وفصل دعوی بین‌المللی کم و بیش اتفاق نظر وجود دارد، درباره شرط تعیین دادگاه صالح میان کشورها اتفاق نظری وجود ندارد.^۷

۵. الروبی، محمد؛ دور الاراده فی تحديد الاختصاص القضائي الدولي، دارالنهضة العربیه، ۲۰۰۸، ص ۱۹۰.

۶. سلجوقی، محمود؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد دوم، میزان، ۱۳۸۷، ص ۴۸۸.

۷. همان، ص ۴۸۹.

پرسش این است که تا چه میزان اراده اطراف قراردادهای بین‌المللی در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از روابط حقوقی‌شان مؤثر است؟ آیا تعیین دادگاه صالح توسط اطراف قراردادهای بین‌المللی در حقوق کشورها مورد احترام قرار می‌گیرد؟ به عبارت روشن‌تر آیا با صرف توافق اشخاص، دادگاهی که در اصل صلاحیت رسیدگی ندارد، صالح به رسیدگی محسوب می‌شود یا بالعکس در مواردی که دادگاه، مطابق قواعد صلاحیت بین‌المللی صالح به رسیدگی است توافق اشخاص می‌تواند منجر به سلب صلاحیت آن دادگاه شود؟

در گذشته برخی حقوق‌دانان^۸ معتقد بودند که قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از موارد حاکمیت^۹ دولت تلقی می‌شود و در نتیجه مرتبط با نظم عمومی^{۱۰} است و لذا توافقات اشخاص برای تغییر قواعد مزبور قابل قبول نیست. با این حال به نظر می‌رسد حاکمیت دولت‌ها نباید در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها دخالت چندانی داشته باشد. قواعد صلاحیت بین‌المللی در نظام‌های حقوقی برای تقویت حاکمیت دولت وضع نمی‌شود، بلکه برای حفظ مصالح اشخاص و فارغ از تعصبات مقرر می‌شود. بنابراین اگر اشخاص در رابطه خصوصی بین‌المللی مصلحت خود را در رسیدگی اختلافات احتمالی آتی به‌وسیله دادگاه خارجی می‌بینند چون با این ترتیب منافع آن‌ها بهتر تأمین می‌شود یا دادگاه مزبور بیشتر مطابق با مقتضیات تجارت بین آن‌ها رسیدگی می‌کند، این امر تعارضی با حاکمیت دولت نداشته و لذا مخالف با نظم عمومی محسوب نمی‌شود. افزون بر این خاطر نشان می‌شود که اگرچه قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق بسیاری از کشورهای دنیا در قانون آیین دادرسی مدنی درج شده‌اند، باید این واقعیت را مدنظر داشت که قواعد مزبور جزو مباحث اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی است و ماهیت خاص خود را دارد و هدف آن حمایت حقوق خصوصی اطراف قرارداد در دعاوی دارای عنصر خارجی و نه دفاع از حاکمیت ملی کشورها در برابر یکدیگر است.^{۱۱}

با همین رویکرد در دهه‌های اخیر، نظام‌های حقوقی در دنیا دچار دگرگونی و تحول شده‌اند و اساس فلسفی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها تغییر یافته و به‌جای حاکمیت سرزمینی مطلق دولت‌ها به‌عنوان اساس فلسفی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و مرتبط‌ساختن این قواعد با نظم عمومی و در نتیجه منع دخالت اراده اشخاص در این حوزه، کشورها از ایده‌هایی مانند ضرورت همکاری بین نظام‌های قضایی کشورهای مختلف استقبال می‌کنند.^{۱۲}

۸. عبدالله، عزالدین؛ *القانون الدولي الخاص*، جلد دوم، هیئته العامه للكتاب، ۱۳۸۶، ص ۷۳۹ و صادق، هشام؛ *تنازع الاختصاص القضائي الدولي*، منشأ المعارف، ۱۹۷۲، ص ۵۶.

9. Sovereignty

10. Public policy

۱۱. خالد، هشام؛ *قواعد الاختصاص القضائي الدولي و تعلقها بالنظام العام*، منشأ المعارف، ۲۰۰۰، صص ۱۳۲-۱۲۸.

۱۲. صادق، هشام؛ *مدی حق القضاء المصري فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنيہ و التجاریہ*، ۲۰۱۴، ص ۹.

در راستای این دیدگاه جدید و ضرورت همکاری بین‌المللی نظام‌های قضایی، کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به توافق‌های انتخاب دادگاه تصویب شد.^{۱۳} این کنوانسیون نسبت به توافقنامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه که در موضوعات مدنی و تجاری و در موقعیت‌های بین‌المللی منعقد می‌شوند اعمال می‌شود. کنوانسیون مزبور مهم‌ترین کنوانسیون در حوزه حاکمیت اراده در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها است. این کنوانسیون برای اولین بار به اصل استقلال توافق انتخاب دادگاه - همانند توافقنامه داوری - از قرارداد اصلی تصریح می‌کند. همچنین کنوانسیون بر اثر منفی توافقنامه انتخاب دادگاه تأکید کرده و دادگاه غیرمنتخب را مجاز به رسیدگی نمی‌داند. همچنین علاوه بر اینکه این کنوانسیون قواعدی در خصوص توافق بر انتخاب دادگاه مقرر کرده، نسبت به شناسایی و اجرای احکام نیز قواعدی دارد. در تدوین این کنوانسیون از همه کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه اقتباس و به تحولات بین‌المللی توجه شده است و قواعد مذکور در آن کاملاً با مقتضیات تجارت بین‌المللی و روابط معاصر بین‌المللی سازگار است.^{۱۴}

کنوانسیون مذکور برای دستیابی به اهداف خود، سه قاعده اصلی را مقرر کرده است: اصل اول این است که دادگاه منتخب توسط موافقت‌نامه انتخاب دادگاه باید به دعوا رسیدگی کند مگر اینکه توافق مزبور بر اساس قانون دولت دادگاه منتخب، باطل و بلااثر باشد (ماده ۵ کنوانسیون). اصل دوم بیان می‌دارد به جز دادگاه منتخب، هر دادگاه دیگری باید از رسیدگی به دعوا خودداری کند (ماده ۶ کنوانسیون). مطابق اصل سوم، حکم دادگاه منتخب در دیگر کشورهای متعاقد باید شناسایی و اجرا شود و عدم شناسایی و اجرای این حکم فقط بر اساس دلایل مندرج در کنوانسیون قابل قبول است (ماده ۸ کنوانسیون).^{۱۵}

همچنین در حوزه اتحادیه اروپا طبق ماده ۱۷ کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸،^{۱۶} ماده ۲۳ مقررات بروکسل یک ۲۰۰۱/۴۴^{۱۷} و همچنین طبق ماده ۲۵ مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵^{۱۸}

13. Hague Convention on Choice of Court Agreements, 2005.

۱۴. الروبی؛ همان، ص ۶۴.

۱۵. در مورد مقررات این کنوانسیون، ن.ک:

Brand, Ronald A. & Herrup, Paul, *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements Commentary and Documents*, England, Cambridge University Press, 2008, pp. 11-15; Ahmed, Mukarrum and Beaumont, Paul, "Exclusive Choice of Court Agreements: Some Issues on the Hague Convention on Choice of Court Agreements and Its Relationship with the Brussels I Recast Especially Anti-Suit Injunctions, Concurrent Proceedings and the Implications of BREXIT", *Centre for Private International Law Aberdeen Working Paper Series*, Working Paper No. 5, 2016, pp. 6-7.

16. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters, 1968.

17. Council Regulation (EC) No. 44/2001 of 22 December 2000 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters ('Brussels I').

18. The Regulation (EU) No. 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (Recast) ('Brussels I Recast').

شرط انتخاب دادگاه صالح به رسمیت شناخته شده است.

علاوه بر این، طبق اصل دوم از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی^{۱۹} که مؤسسه حقوق امریکا و مؤسسه یکسان‌سازی حقوق خصوصی رم در سال ۲۰۰۴ تهیه کرده‌اند، توافق طرفین دعوا به‌عنوان معیاری برای صلاحیت دادگاه در درجه اول اهمیت است.^{۲۰} بنابراین به نظر می‌رسد در حال حاضر، رویکرد کلی در جهت پذیرش شرط صلاحیت قضایی است. با این توضیحات، مناسب است به این سؤال مهم پرداخت که آیا حقوق ایران هم‌راستا با این تحولات بین‌المللی بوده و به عبارت روشن‌تر، شرط صلاحیت قضایی در حقوق ایران معتبر است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید به بررسی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران و ماهیت این قواعد پرداخت.

۳. قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها^{۲۱} در حقوق ایران را باید در قوانین مصوب یا معاهدات دوجانبه که در زمینه معاضدت و همکاری قضایی میان ایران با کشورهای دیگر منعقد شده جستجو کرد. قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی مدنی، قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نکرده است. بنابراین در حال حاضر، چاره‌ای جز اعمال قواعد صلاحیت داخلی^{۲۲} برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران نیست؛ به این معنی که مادام که قانونگذار ایران قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نکرده است، قاضی ایران باید به قواعد صلاحیت داخلی دادگاه‌های ایران رجوع کرده و بر مبنای آن در خصوص صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوی بین‌المللی تصمیم بگیرد.

صلاحیت دادگاه‌های ایران در قانون آیین دادرسی مدنی به دو نوع صلاحیت ذاتی و نسبی تقسیم می‌شود: در مقام تبیین مفهوم صلاحیت ذاتی^{۲۳} می‌توان گفت این نوع صلاحیت در واقع مربوط به صنف، نوع و درجه دادگاه صالح برای رسیدگی به دعواست. به عبارت دیگر در این نوع صلاحیت، بحث از این است که دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا، دادگاه مدنی، اداری یا کیفری، دادگاه عمومی یا اختصاصی، دادگاه نخستین یا دادگاه تجدیدنظر است.^{۲۴} منظور از صلاحیت نسبی^{۲۵}

19. ALI/ UNIDROIT Principles of Transnational Civil Procedure

۲۰. غمامی، مجید و حسن محسنی؛ *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، میزان، ۱۳۸۶، ص ۵۱.

21. Extraterritorial jurisdiction/international jurisdiction

22. Territorial Jurisdiction

23. Absolute Competence

۲۴. ارفع‌نیا، بهشید؛ *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۲، بهتاب، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶؛ صفایی، سیدحسین؛ *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*، میزان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۴ و مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی؛ «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، *دانش حقوق مدنی*، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۴.

25. Relative Competence

یا محلی^{۲۶} این است که بعد از اینکه دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا از حیث صنف، نوع و درجه مشخص شد باید توسط قواعد صلاحیت نسبی، دادگاهی از میان دادگاه‌های سراسر کشور که از حیث صنف، نوع و درجه مساوی هستند به‌عنوان دادگاه صالح به رسیدگی تعیین شود. برای مثال، چنانچه مطابق قواعد صلاحیت ذاتی معلوم شد که دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا، دادگاه حقوقی و از نوع عمومی و درجه بدوی است، طبق قواعد صلاحیت نسبی می‌توان مشخص کرد که دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوای مزبور، دادگاه حقوقی عمومی بدوی مشهد یا تهران است.^{۲۷}

در دعوای دارای وصف بین‌المللی نیز آنچه تعیین‌کننده صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران است عامل ارتباط دعوای مزبور با سرزمین ایران است که خود از مبانی صلاحیت نسبی دادگاه‌های ایران است.^{۲۸} به همین دلیل در حقوق ایران اکثر حقوق‌دانان معتقدند که برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران باید به قواعد صلاحیت نسبی مراجعه نمود و نوع و ماهیت صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران همان صلاحیت نسبی یا محلی است.^{۲۹} بنابراین قاضی ایران برای احراز صلاحیت خود در رسیدگی به دعوای بین‌المللی باید به قواعد صلاحیت نسبی رجوع کند. با این حال، ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران، نکات قابل توجهی پیرامون صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران مطرح کرده است. ماده مزبور که خطوط کلی صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران را ترسیم می‌کند مقرر داشته: «دعوای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح‌بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود».

به نظر می‌رسد ماده مزبور متضمن سه قاعده مهم است: قاعده اول اینکه دادگاه‌های ایران در هنگام احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوای بین‌المللی فقط باید به قانون ایران توجه کرده و آن را ملاک قرار دهند.^{۳۰} قاعده دوم اینکه رسیدگی دادگاه‌های ایران به دعوای خصوصی بین‌المللی بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ایران انجام می‌شود.^{۳۱} برخی این دو قاعده

26. Local Competence

۲۷. ارفع‌نیا، همان؛ صفایی؛ همان؛ مافی و ادبی فیروزجایی؛ همان.

۲۸. سلجوقی؛ همان، ص ۴۸۵.

۲۹. مافی و ادبی فیروزجایی؛ همان، ص ۵۵؛ صفایی؛ همان، ص ۱۸۵؛ ارفع‌نیا؛ همان، ص ۱۸۷؛ شیخ‌الاسلامی، سیدمحسن؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳ و مقصودی، رضا؛ «صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی‌وچهارم، شماره ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۳۰.

۳۰. سلجوقی؛ همان، ص ۴۷۰؛ مقصودی، رضا؛ «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷؛ عابدی، محمد تقی؛ «صلاحیت قضایی و صلاحیت داوری - تحلیلی بر یک رأی صادره در مسئله صلاحیت»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۹۳.

۳۱. شیخ‌الاسلامی؛ همان، ص ۱۱۳؛ سلجوقی؛ همان؛ عابدی؛ همان.

را از نتایج اصل حاکمیت کشورها و استقلال آن‌ها در برابر یکدیگر می‌دانند.^{۳۲} قاعده سوم که در ذیل این ماده بیان شده، راجع به ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی واجد عنصر خارجی^{۳۳} است و مقرر کرده که «مطرح‌بودن همان دعوا در دادگاه خارجی، رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود».

همان‌طور که گفته شد، قانونگذار ایران قواعدی برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وضع نکرده است. بنابراین قاضی ایرانی برای احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوی بین‌المللی باید به قواعد صلاحیت داخلی نسبی یا محلی که در مواد ۱۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی ایران درج شده رجوع کند. اما سؤال مهم این است که آیا قواعد مزبور از جمله قواعد امری است یا تکمیلی؟ آیا اشخاص می‌توانند خلاف قواعد صلاحیت مذکور توافق کنند؟ در ادامه این موضوع در دو حوزه دعاوی داخلی و بین‌المللی بررسی می‌شود.

۴. توافق برخلاف قواعد صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی داخلی

توافق برخلاف قواعد صلاحیت نسبی (محلی) دادگاه‌های ایران در قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸ پذیرفته شده بود. ماده ۴۴ این قانون مقرر می‌داشت: «در تمام دعاوی که رسیدگی به آن از صلاحیت دادگاه‌هایی است که رسیدگی نخستین می‌نمایند، طرفین دعوا می‌توانند تراضی کرده به دادگاه دیگری که در عرض دادگاه صلاحیت‌دار باشد رجوع کنند...». مشابه ماده مزبور در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مشاهده نمی‌شود و لذا این سؤال مطرح است که امروزه در حقوق ایران در دعاوی داخلی، توافق برخلاف قواعد صلاحیت محلی دادگاه‌های ایران ممکن است یا خیر؟

برخی معتقدند که ماده مذکور «متضمن حق طبیعی برای طرفین است و قاعده‌ای آمره برخلاف آن یافت نمی‌شود. بنابراین شاید در رویه قضایی بتوان بقای آن را مدلل ساخت».^{۳۴} به‌طور کلی می‌توان گفت اکثریت حقوق‌دانان ایرانی بر این باورند که قواعد صلاحیت نسبی برخلاف قواعد صلاحیت ذاتی از جمله قواعد امری محسوب نمی‌شوند بلکه از جمله قواعد تکمیلی‌اند و ربطی به نظم عمومی ندارند و بنابراین توافق برخلاف آن‌ها معتبر است؛^{۳۵} با این توضیح که هدف قانونگذار از وضع قواعد صلاحیت نسبی، رعایت مصلحت خصوصی اصحاب دعوا مانند دادرسی آسان‌تر و

۳۲. سلجوقی؛ همان.

33. Foreign Element

۳۴. همان، ص ۴۸۹.

۳۵. شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی؛ آیین دادرسی مدنی - صلاحیت دادگاه‌ها - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان، آداک، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷؛ سلجوقی؛ همان، ص ۴۸۴؛ شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، دوره بنیادین، جلد ۱، دراک، ۱۳۹۶، ص ۱۷۸.

کاهش مخارج دعوا است، در حالی که در وضع قواعد راجع به صلاحیت ذاتی، آنچه اهمیت دارد، حفظ منافع و نظم عمومی است.^{۳۶} در همین راستا در پاسخ به سؤالی در خصوص وضعیت توافق اشخاص در خصوص صلاحیت محلی دادگاه‌ها و اعتبار آن با سکوت قانون آیین دادرسی مدنی، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه بیان داشته است: «با توجه به اینکه قانونگذار در بند ۱ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی تنها در صورت ایراد نسبت به صلاحیت محلی، رأی صادره را قابل نقض از سوی دیوان عالی کشور دانسته است و بالطبع توافق ضمنی راجع به صلاحیت محلی را پذیرفته است و با عنایت به اینکه قواعد صلاحیت محلی به‌طور معمول، به منظور تأمین منافع طرفین دعوا به‌ویژه خواننده وضع شده است و اصولاً جنبه امری ندارد، بنابراین رسیدگی به دعوا، در دادگاهی غیر از محل اقامت خواننده که طرفین بر آن توافق دارند مطابق موازین است و اطلاق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی، منصرف از فرض سؤال بوده و باید با عنایت به قید مذکور در بند ۱ ماده ۳۷۱ قانون مذکور، (در موارد ایراد) تفسیر شود».^{۳۷}

آنچه گفته شد در مورد دعاوی داخلی است، اما چنانچه دعوا دارای عنصر خارجی باشد آیا اشخاص می‌توانند در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران دخالت کنند؟ به عبارت دیگر آیا اراده اطراف دعوی بین‌المللی می‌تواند صلاحیت دادگاه‌های ایران را تغییر دهد؟ در ادامه این موضوع در دو بخش، توافق برای اعطای صلاحیت به دادگاه ایرانی و توافق برای سلب صلاحیت از دادگاه ایرانی بررسی می‌شود.

۵. توافق برخلاف قواعد صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی بین‌المللی

منظور از توافق برخلاف قواعد صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی بین‌المللی این است که چنانچه در دعوا مطابق قواعد صلاحیت، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی نباشند، اشخاص می‌توانند با توافق با یکدیگر، صلاحیت رسیدگی به دعوا را به دادگاه ایرانی اعطا کنند؟ و بالعکس چنانچه دادگاه‌های ایران، صالح به رسیدگی باشند آیا اشخاص می‌توانند صلاحیت رسیدگی به دعوا را از دادگاه‌های ایرانی سلب کرده و به دادگاه کشور دیگری اعطا کنند؟ در ادامه این دو فرض جداگانه بررسی می‌شود.

۵-۱. توافق اطراف در دعاوی بین‌المللی بر اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ایران

در موردی که مطابق قواعد صلاحیت دادگاه‌ها در ایران، دادگاه‌های ایران فاقد صلاحیت برای رسیدگی به دعوی بین‌المللی باشند و اشخاص توافق کنند که صلاحیت رسیدگی به دعوا را به

۳۶. شاه‌حیدری‌پور؛ همان، ص ۱۲۳؛ شمس؛ همان، ص ۱۷۹؛ سلجوقی، همان.

۳۷. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۴/۴۲۲ مورخ ۷/۹۴/۱۹.۱۳۹۴.

دادگاه‌های ایران اعطا کنند، حکم خاصی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران وجود ندارد. اما در واقع در این مسئله تردیدی نیست و بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا صراحتاً پذیرفته‌اند که در صورتی که دادگاه‌های ملی آن‌ها صلاحیت برای رسیدگی به دعوی بین‌المللی نداشته باشند، اطراف دعوا می‌توانند با توافق، صلاحیت رسیدگی به دعوا را به دادگاه‌های آن‌ها اعطا کنند. در این مورد می‌توان به ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی سوریه، مصوب ۲۰۱۶، ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصر، مصوب ۱۹۶۸، بند ۲ ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی اردن، مصوب ۱۹۸۸ و بند ۱ ماده ۴ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی ایتالیا، مصوب ۱۹۹۵ اشاره کرد. همچنین حقوق‌دانان نیز در این مسئله تقریباً اتفاق نظر دارند و آن را برای توسعه حکومت و سلطنت کشور مناسب می‌دانند.^{۳۸} در حقوق ایران نیز می‌توان به این سؤال که آیا اشخاص می‌توانند در صورتی که دادگاه‌های ایران، صلاحیت رسیدگی به دعوی بین‌المللی را نداشته باشند، صلاحیت رسیدگی به آن دعوا را به دادگاه‌های ایران اعطا کنند، با استناد به اصل ۳۴ قانون اساسی پاسخ مثبت داد.^{۳۹} اصل مزبور مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». پذیرش چنین دیدگاهی علاوه بر توجه به خواست و اراده اشخاص و رعایت مصلحت ایشان، هم‌راستا با رویکرد معاصر نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیا و برخی اسناد بین‌المللی بوده و لذا مناسب به نظر می‌رسد.

۵-۲. توافق اطراف در دعاوی بین‌المللی بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگری

سؤال مهم دیگر این است که در صورتی که دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارند و اشخاص توافق کنند که دعوی خود را در دادگاه کشور دیگری مطرح کنند، چنین توافقی مؤثر است؟ آیا اشخاص می‌توانند با توافق با یکدیگر، صلاحیت دادگاه‌های ایران را نادیده گرفته و دعوی خود را در دادگاه کشور دیگری مطرح کنند؟ پاسخ به این سؤال دشوارتر از سؤال قبلی است چرا که اصولاً کشورها سرپیچی از قواعد صلاحیت دادگاه‌ها را منجر به صدمه و نقض حاکمیت دولت می‌دانند. این مسئله به‌ویژه در نظام حقوقی ایران پیچیده‌تر است. در حقوق ایران، مطابق ماده ۹۶۸ قانون مدنی، مسئله حاکمیت اراده اطراف قراردادهای بین‌المللی برای تعیین قانون حاکم،

۳۸. سلامه، عبدالکریم؛ *فقه المرافعات المذنبه الدولیه*، دار النهضه العربیه، ۲۰۰۰، ص ۱۴۴.

۳۹. شیروی، عبدالحسین؛ *حقوق تجارت بین‌الملل*، سمت، ۱۳۹۳، ص ۵۲۱.

جز در موارد محدودی به رسمیت شناخته نشده و قانونگذار اصولاً قانون حاکم بر عقد را قانون محل وقوع عقد می‌داند در حالی که احترام به قانون منتخب طرفین به‌عنوان قانون حاکم بر عقد در حقوق اکثر کشورهای دنیا پذیرفته شده است. بدیهی است که در چنین نظام حقوقی، پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی و تخطی از قواعد صلاحیت دادگاه‌ها با دشواری و پیچیدگی بیشتری روبه‌روست.

همان‌طور که قبلاً گفته شد در دعاوی داخلی اشخاص می‌توانند خلاف قواعد صلاحیت نسبی توافق کنند و چنین توافقی معتبر است. گرچه مقرراتی درباره دعاوی بین‌المللی در این زمینه وضع نشده است، برای پاسخ به این ابهام که آیا می‌توان خلاف قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران توافق کرد، توجه به ماده ۹۷۱ ضروری است. اگرچه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از نوع صلاحیت نسبی است نمی‌توان گفت که همان‌طور که در دعاوی داخلی می‌توان برخلاف قواعد صلاحیت نسبی توافق کرد، می‌توان در دعاوی بین‌المللی نیز برخلاف قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها توافق کرد چرا که درباره دعاوی اخیر، حکم خاص مندرج در ماده ۹۷۱ قانون مدنی باید لحاظ شود. ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «... مطرح‌بودن همان دعوا در دادگاه خارجی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». حکم مزبور راجع به ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی واجد عنصر خارجی است. در وهله اول به نظر می‌رسد که نکته مندرج در ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی نمی‌تواند به سؤال ما پاسخ دهد. در هر حال در ادامه پس از بررسی اثر ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی داخلی و دعاوی بین‌المللی می‌توان به تأثیر این مسئله در پاسخ به سؤال مذکور پی برد. مسئله ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در مباحث آیین دادرسی مدنی در دو فرض دعاوی داخلی و بین‌المللی باید جداگانه مدنظر قرار گیرد.

الف. ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی داخلی

در تبیین دکتترین امر مطروحه^{۴۰} گفته شده در موردی که دو دادگاه، دعاوی واحدی را بررسی می‌کنند، دومین دادگاهی که پرونده نزد آن مطرح شده است اعمال صلاحیت نکرده و اجازه می‌دهد دادگاهی که اول رسیدگی را آغاز کرده است در مورد اختلاف رأی صادر کند.^{۴۱} مطابق این دکتترین چنانچه دادگاهی به دعوایی رسیدگی می‌کند در صورتی که دادگاه دیگری به همان دعوا و میان اطراف همان دعوا قبلاً رسیدگی کرده یا زودتر از دادگاه مزبور شروع به رسیدگی کرده، دادگاه باید رسیدگی به دعوای مزبور را متوقف یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری کند.

40. *Lis pendens*

۴۱. ایزدی، علی؛ «قابلیت اعمال قواعد امر مختومه، امر مطروحه و محکمه نامناسب برای حل تعارض محاکم بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال سی‌وسوم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۴۷.

روشن است که ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی که به ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر می‌پردازد ناظر به دعاوی بین‌المللی بوده و ارتباطی با دعاوی داخلی ندارد. در مورد دعاوی داخلی، حکم خاصی در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد که مقرر کرده: «در موارد زیر، خوانده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند: ... ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد». ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مقرر می‌دارد: «... در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده و پرونده را به دادگاهی که در آن مطرح است می‌فرستد ...». مطابق این دو ماده در دعاوی داخلی، ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاهی دیگر، مانع رسیدگی دادگاه می‌شود و دادگاهی که دعوا در آن دیرتر طرح شده باید پرونده را به دادگاهی که زودتر رسیدگی را شروع کرده ارسال کند.^{۴۲} در ادامه وضعیت ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی بین‌المللی بررسی می‌شود.

ب. ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعاوی بین‌المللی

قانونگذار هر کشور در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها همانند سایر موضوعات، قواعد خاصی را برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های کشور خود وضع می‌کند و اصولاً جز در مواردی که کشورها عضو معاهدات دوجانبه یا چندجانبه در این خصوص باشند هماهنگی در این زمینه میان کشورها وجود ندارد. طبیعی است که در چنین وضعیتی احتمال اینکه در خصوص دعاوی واحد، دادگاه‌های کشورهای متعددی مطابق قواعد ملی این کشورها صالح به رسیدگی باشند شایع است.^{۴۳} حال سؤال این است که چنانچه دعاوی بین‌المللی در کشور خارجی مطرح شده و دادگاه کشور خارجی خود را برای رسیدگی به آن صالح دانسته و در حال رسیدگی به دعواست و به هر علتی دعوی مزبور در دادگاه ایران مطرح شده و یکی از اطراف دعوا به علت مطرح‌بودن دعوا در دادگاه خارجی به رسیدگی دادگاه ایران ایراد وارد کند، ایراد مزبور چه اثری دارد؟

قسمت پایانی ماده ۹۷۱ قانون مدنی به این سؤال پاسخ داده و در واقع در دعاوی بین‌المللی ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه خارجی بر اساس ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی بی‌اثر است.^{۴۴} طبق

۴۲. ارفع‌نیا؛ همان، ص ۱۹۷؛ صفایی؛ همان، ص ۲۰۷؛ شاه‌حیدری‌پور؛ همان، ص ۲۳۶؛ سلجوقی؛ همان، ص ۴۷۱؛ غمامی، و محسنی؛ همان، ص ۱۷۲.

۴۳. مقصودی، رضا؛ «ادارسی موازی در دعاوی بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۸۲.

۴۴. ارفع‌نیا؛ همان، صفایی؛ همان، سلجوقی؛ همان.

دکترین مزبور که در کشورهای پیرو سیستم رومی ژرمنی پذیرفته شده است،^{۴۵} دادگاهی که قبل از سایر دادگاه‌ها شروع به رسیدگی به دعوا کرده در رسیدگی به دعوی مزبور بر همه دادگاه‌های دیگر اولویت دارد و دادگاه‌های دیگر باید به نفع دادگاه مقدم، از رسیدگی خودداری کنند.^{۴۶} به این ترتیب، رویکرد قانونگذار ایران مبتنی بر تداوم صلاحیت دادگاه ایرانی در مقابل رسیدگی دادگاه‌های خارجی موجب ایجاد دادرسی موازی و احتمالاً صدور احکام متعارض از دادگاه ایرانی و دادگاه خارجی خواهد شد.^{۴۷} برخی نتیجه حاصل از ذیل این ماده را بدیهی و ناشی از وصف یک‌جانبه بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها می‌دانند. در واقع در دعوی بین‌المللی، دادگاه ایرانی به بررسی صلاحیت خود می‌پردازد و چنانچه خود را صالح بداند صرف‌نظر از صلاحیت دادگاه دیگر یا سبق طرح دعوا در آن به رسیدگی ادامه می‌دهد.^{۴۸} برخی دیگر از حقوق‌دانان، علت وضع چنین قاعده‌ای را این دانسته‌اند که قانونگذار ایرانی «با لحاظ مقتضیات اصل حاکمیت ملی فرض نموده که همواره رسیدگی در دادگاه ایرانی عادلانه، سریع و مؤثرتر از رسیدگی در دادگاه‌های بیگانه است».^{۴۹} در هر حال، این عده حکم این ماده را صرفاً ناظر به دعوی می‌دانند که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران است و معتقدند که ماده مزبور در خصوص سایر موارد، حکمی وضع نکرده و دادگاه ایران می‌تواند در این قبیل موضوعات که در صلاحیت انحصاری و اختصاصی وی نیست به ایراد سبق طرح دعوا در دادگاه خارجی توجه نماید.^{۵۰}

در هر حال به نظر می‌رسد ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعوی داخلی امکان‌پذیر است اما در دعوی بین‌المللی قابل پذیرش نیست. علت این تفاوت در رویکرد این است که در صورت عدم پذیرش ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در دعوی داخلی، امکان صدور احکام متناقض در یک موضوع وجود دارد و لذا برای جلوگیری از صدور احکام متعارض و مادام که هر دو دادگاه که دعوا نزد آن‌ها مطرح شده است تابع یک نظام قضایی هستند باید راهکاری اندیشید تا دعوا در یک دادگاه رسیدگی و حل‌وفصل شود.^{۵۱} در دعوی بین‌المللی اختلاف آرا در دعوی

۴۵. مقصودی، رضا؛ «دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی»، نامه مقید، شماره ۹۴، ۱۳۹۱، ص ۴.

۴۶. همو؛ «سوءاستفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۴، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۴، ص ۹۶.

۴۷. همو؛ «دادرسی موازی در دعوی بین‌المللی»، همان، ص ۵۹۸. این حقوق‌دان، دادرسی موازی را دارای دو معنای عام و خاص می‌داند. در معنای خاص دادرسی موازی یعنی رسیدگی به دعوی مشابه که اطراف دعوا و خواسته در این دعوی واحد هستند. در معنای عام دعوی تقابل، اضافی، مرتبط و فرعی را شامل می‌شود. همان، ص ۵۸۳.

۴۸. سلجوقی؛ همان، ص ۴۷۱.

۴۹. غمامی و محسنی؛ همان، ص ۵۴.

۵۰. پیشین، ص ۱۷۲.

۵۱. ارفع‌نیا؛ همان، ص ۱۹۸؛ صفایی؛ همان، ص ۲۰۷؛ شاه‌حیدری‌پور؛ همان، ص ۲۲۶؛ سلجوقی؛ همان، ص ۴۷۱.

واحد از دادگاه‌های کشورهای مختلف، اشکال مهمی ایجاد نمی‌کند زیرا رأی دادگاه خارجی به علت تعارض با حکم دادگاه ایرانی در ایران قابل اجرا نیست.^{۵۲} همچنین می‌توان گفت که در واقع «مجبور کردن دادگاه‌های یک کشور به اینکه عدم صلاحیت خود را به علت اینکه دعوا در دادگاه خارجی تحت رسیدگی است اعلام کنند مخالف با حاکمیت دولت است».^{۵۳} بنابراین می‌توان گفت ایراد مطرح‌بودن دعوا در دادگاه دیگر در مواردی مطرح است که دادگاه‌ها تابع یک نظام قضایی باشند مگر اینکه این مسئله در خصوص سایر موارد به موجب معاهدات پیش‌بینی و حکم خاصی مقرر شده باشد.^{۵۴} به‌عنوان مثال در بند ۳ ماده ۱۸ قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزائی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان، مصوب ۱۳۸۶ آمده است: «در صورت آغاز رسیدگی به یک پرونده با همان طرفین و بر یک مبنای حقوقی در دادگاه‌های هر دو طرف متعاهد که مطابق با این موافقت‌نامه صلاحیت رسیدگی را دارند، دادگاهی که دادرسی را دیرتر شروع کرده است آن را متوقف می‌سازد. در صورت اثبات عدم صلاحیت دادگاهی که رسیدگی به پرونده را آغاز کرده است، دادگاه طرف متعاهد دیگر می‌تواند رسیدگی به پرونده را شروع کند».

پس از این توضیح باید به سؤال اصلی این پژوهش پاسخ داد. آیا در مواردی که دادگاه ایرانی صالح به رسیدگی به دعواست، توافق اطراف دعوا مبنی بر ارجاع اختلاف به دادگاه کشوری غیر از ایران نافذ و معتبر است؟ برخی صاحب‌نظران معتقدند که «در قوانین ایران مقرره‌ای وجود ندارد که دادگاه صالح بتواند به استناد توافق طرفین، قرار عدم صلاحیت صادر و از رسیدگی خودداری کند. برعکس در ماده ۹۷۱ قانون مدنی خلاف آن قابل استنباط است. از این ماده می‌توان استنباط کرد که چنانچه شروع رسیدگی در دادگاه خارجی، مانع رسیدگی دادگاه صالح ایرانی نیست، به همین منوال، توافق طرفین به رسیدگی در دادگاه دیگر نیز رافع صلاحیت دادگاه ایرانی نیست».^{۵۵} برخی دیگر معتقدند که «از ماده ۹۷۱ قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که اعطای صلاحیت به دادگاه کشور خارجی بر اساس موافقت‌نامه انتخاب دادگاه، نافی صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به دعوا نیست».^{۵۶} این عده بیان می‌دارند که «در حال حاضر، دادگاه ایرانی ملزم نیست به موافقت‌نامه‌ای که رسیدگی به دعوای طرفین را که علی‌الاصول در صلاحیت دادگاه ایرانی است، در صلاحیت دادگاه کشور خارجی قرار داده است ترتیب اثر دهد زیرا طرح دعوا در مرجع قضایی

۵۲. ارفع‌نیا؛ همان، صفایی؛ همان، ص ۲۰۸.

۵۳. صفایی؛ همان.

۵۴. مقصودی؛ «دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی»، همان، ص ۴۹۷؛ صفایی؛ همان.

۵۵. شیروی؛ همان، ص ۵۲۲.

۵۶. شایگان؛ همان، ص ۳۰.

خارجی «رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». به همین جهت، شرط صلاحیت قضایی نیازمند دخالت قانونگذار و تدوین نظام حقوقی حاکم بر آن است.^{۵۷}

به هر حال به نظر می‌رسد که ماده مذکور نقش بسیار مهمی در منع چنین توافقاتی دارد. برای روشن کردن تأثیر این ماده بر مسئله توافق بر سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران مثالی بیان می‌شود. به فرض، اطراف قرارداد بین‌المللی توافق کنند که دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوای ناشی از قرارداد مذکور، دادگاه‌های انگلستان باشد. سپس یکی از اطراف قرارداد، دعوایی در مورد قرارداد در دادگاه انگلستان به‌عنوان دادگاه منتخب اقامه کند. پس از آغاز رسیدگی دادگاه، یکی دیگر از اطراف قرارداد با نقض توافقنامه تعیین دادگاه صالح، دعوای خود را در دادگاه ایرانی مطرح کند. طرف دیگر قرارداد با استناد به وجود شرط صلاحیت، به رسیدگی دعوا توسط دادگاه ایران ایراد می‌کند. در این مورد دادگاه ایران به استناد ماده ۹۷۱ قانون مدنی چنانچه خود را صالح به رسیدگی بداند توافق مذکور را معتبر ندانسته و به رسیدگی خود ادامه دهد. همچنین در این مثال، چنانچه هنوز دعوایی در دادگاه انگلستان مطرح نشده اما یکی از اطراف قرارداد، ضمن نقض توافقنامه انتخاب دادگاه، دعوای خود را در دادگاه ایران اقامه کند و طرف دیگر با استناد به وجود توافق بر صلاحیت دادگاه‌های انگلستان به صلاحیت دادگاه ایران ایراد کند نیز چنانچه دادگاه ایرانی خود را صالح بداند، توافق مزبور را نادیده گرفته و به رسیدگی خود ادامه می‌دهد زیرا از ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی می‌توان استنباط کرد که مادام که دادگاه ایران صلاحیت به رسیدگی دارد به هیچ وجه نمی‌تواند صلاحیت خود را به نفع دادگاه کشور دیگر نادیده انگارد. حتی در صورتی که رأی از دادگاه خارجی منتخب (دادگاه انگلستان) صادر شده، دادگاه‌های ایرانی رأی مزبور را به علت تعارض با رأی دادگاه ایرانی و مستند به بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران اجرا نخواهند کرد. اما آیا می‌توان از مشکل صدور احکام معارض و در نتیجه، لطمه به توافقات بین‌المللی اشخاص چشم‌پوشی کرد؟ آیا واقعاً حکم ذکرشده در ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی مطلق است و به هیچ وجه توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی در صورت صلاحیت دادگاه‌های ایران امکان‌پذیر نیست؟ همان‌طور که بیان شد، برخی حقوق‌دانان^{۵۸} معتقدند که «این ماده صرفاً ناظر به قضایایی است که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران است و درباره موارد غیر آن‌ها حکمی ندارد و دادگاه ایرانی می‌تواند در این قبیل موضوعات که در صلاحیت انحصاری و اختصاصی وی نیست ایراد سبق طرح دعوا را در دادگاه خارجی بشنود». با این حال، این عده دلایل حقوقی برای اثبات این عقیده مطرح نکرده‌اند و از این‌رو برخی دیگر^{۵۹} بیان داشته‌اند که چنین دیدگاهی چنان با

۵۷. پیشین؛ ص ۳۱.

۵۸. غمامی و محسنی؛ همان، ص ۱۷۲.

۵۹. مقصودی؛ همان، ۱۳۹۳، ص ۵۹۹.

نص ماده ۹۷۱ قانون مدنی معارض است که خود نیازمند وضع قانون جدید است. با وجود این به نظر می‌رسد که دیدگاه عدم اطلاق ماده ۹۷۱ قانون مدنی کاملاً درست و صحیح است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حکم ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی فقط در موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران اعمال می‌شود و قابل تسری به موارد دیگر نیست؛ با این توضیح که فقط در دو حالت دادگاه‌های ایران در موقعیتی قرار می‌گیرند که باید نسبت به توافق بر سلب صلاحیت از خود تصمیم‌گیری و حقوق خود را اعمال کنند. حالت اول این است که یکی از اطراف موافقت‌نامه مبنی بر سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران، توافق مزبور را نقض کرده و دعوا را در دادگاه ایرانی اقامه کرده و طرف مقابل به رسیدگی به دعوا توسط دادگاه ایرانی به علت وجود توافق صلاحیت، ایراد کرده است. در حالت دوم، هیچ‌کدام از اطراف قرارداد، توافق در خصوص سلب صلاحیت دادگاه ایرانی را نقض نکرده و دادگاه خارجی (دادگاه منتخب طرفین) به دعوا رسیدگی کرده و حکمی در موضوع دعوا صادر کرده است اما اطراف دعوا از دادگاه ایرانی درخواست اجرای این حکم را کرده‌اند. در حالت اول وقتی که دعوا در دادگاه ایرانی مطرح شود، قاضی ایران برای احراز صلاحیت خود و تصمیم‌گیری در مورد امکان سلب صلاحیت از دادگاه ایران به ماده ۹۷۱ قانون مدنی استناد و در نتیجه چنین توافقی را غیرمعتبر اعلام خواهد کرد اما در حالت دوم، قاضی ایران فقط با حکم دادگاه منتخب (مثلاً دادگاه انگلستان) مواجه می‌شود. چنین حکمی همانند سایر احکام دادگاه‌های خارجی در ایران قابل اجرا نیست مگر اینکه واجد شرایط شناسایی و اجرای احکام خارجی مندرج در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران باشد. مطابق بند ۶ ماده مزبور، چنانچه دعوای موضوع حکم دادگاه خارجی راجع به موارد صلاحیت انحصاری یا اختصاصی دادگاه‌های ایران نباشد، چنین حکمی با تحقق سایر شرایط ذکر شده در ماده مزبور، در ایران قابل اجراست. در این حالت هرگز قاضی ایرانی نمی‌تواند به ماده ۹۷۱ استناد کند و به دلیل اینکه در این دعوا اشخاص با توافق، صلاحیت دادگاه‌های ایران را سلب کرده‌اند، از اجرای حکم مزبور خودداری کند.

بنابراین روشن شد که میان حکم مقرر در ذیل ماده ۹۷۱ قانون مدنی و بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ارتباط وجود دارد و گرچه هرکدام از آن‌ها در فرض متفاوتی اعمال می‌شود، این دو فرض موضوع یکسانی را دنبال می‌کنند. موضوع هر دو، سلب صلاحیت دادگاه‌های ایرانی است. آیا لازم نیست که دو فرض دارای موضوع یکسان، راه‌حل یکسانی داشته باشند؟ به عبارت دیگر در دو فرض مزبور، صلاحیت از دادگاه‌های ایران سلب می‌شود، پس چرا اگر یکی از اطراف توافق بر سلب صلاحیت دادگاه ایرانی، توافق مزبور را نقض کرده و دعوای موضوع توافق را در دادگاه ایرانی مطرح کند و طرف مقابل به علت وجود توافق‌نامه، به صلاحیت دادگاه ایران ایراد وارد کند، قاضی ایران بنا بر ماده ۹۷۱ در همه موارد، توافق بر سلب صلاحیت را نادیده می‌گیرد؟ اما چنانچه هیچ‌کدام از اطراف توافق بر سلب صلاحیت دادگاه ایرانی، توافق را نقض نکند و دادگاه

ایرانی که از آن سلب صلاحیت شده با حکم دادگاه منتخب مواجه شود، این حکم در صورتی که دعوای موضوع آن راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، آن را اجرا خواهد کرد؟ این در حالی است که قاضی باید تفسیر مؤثری از مقررات نظام حقوقی خود ارائه کند؛ به این معنی که تا حد ممکن مقررات را به نحوی تفسیر کند که با یکدیگر هماهنگ بوده و عبارات قانونی، زاید یا بی‌معنا جلوه نکنند. برای رفع این ناهماهنگی به نظر می‌رسد باید در مورد توافق اطراف بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگر، ماده ۹۷۱ قانون مدنی را فقط در موارد راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران اعمال کرد. بنابراین چنانچه یکی از اطراف توافق بر سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران، توافق مزبور را نقض و طرف مقابل به علت وجود توافق به صلاحیت دادگاه ایرانی ایراد کند، اگر دعوای موضوع توافق راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، دادگاه ایران باید ضمن پذیرش ایراد مذکور، از رسیدگی به دعوا به علت وجود توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی خودداری کند. چنانچه بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به‌گونه‌ای وضع می‌شد که در همه مواردی که دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی دارند حکم خارجی نباید اجرا شود، می‌توان بیان کرد که ماده ۹۷۱ قانون مدنی در همه موارد مانع از توافق سلب صلاحیت است اما مادام که طبق بند مزبور چنانچه دعوای موضوع حکم خارجی طبق قانون ایران راجع به صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران نباشد، حکم مزبور در ایران اجرا خواهد شد. در این صورت منطقی به نظر می‌رسد که ماده ۹۷۱ قانون مدنی فقط در موارد صلاحیت انحصاری محاکم ایران، مانع از توافق بر سلب صلاحیت شناخته شود.

ممکن است سؤال شود که موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران کدام‌اند؟ به‌طور کلی معیار یکسان بین‌المللی برای تعیین موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشورهای دنیا وجود ندارد و ممکن است دعوایی از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور (الف) محسوب شود، در حالی که همان دعوا از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور (ب) نباشد. پس مادام که قانونگذار یک کشور موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور خود را مشخص نکرده است، قضات ناچارند این موضوع را با توجه به مقتضیات نظام حقوقی خود و تحولات بین‌المللی در دوران معاصر حل‌وفصل کنند.^{۶۰} در حقوق ایران موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها صراحتاً تعیین نشده است.

با این حال به نظر می‌رسد که دعوای مربوط به اموال غیرمنقول و دعوای مرتبط با اقدامات تأمینی و موقتی از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران است. در توجیه صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران در مورد دعوای مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران، توجه به ماده ۱۶۹ قانون

۶۰ خدابخشی، عبدالله، اعظم انصاری و محمدمجد کابری؛ «شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر»، حقوق خصوصی، دوره ۱۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۶۸-۳۶۷.

اجرای احکام مدنی ضروری است. ماده مزبور که در مقام بیان شرایط احکام خارجی لازم‌الاجرا در ایران است در بند ۶ بیان داشته «رسیدگی به موضوع، اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد» و بلافاصله در بند ۷ بیان داشته «حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد». برخی حقوق‌دانان ایرانی^{۶۱} آنچه را در بند ۷ این ماده آمده از مصادیق بند ۶ ماده مزبور می‌دانند؛ یعنی یکی از مواردی که رسیدگی به موضوع، اختصاص به دادگاه‌های ایران دارد، دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران است. برخی دیگر^{۶۲} نیز ضمن تأیید صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران، دلیل چنین انحصاری را شناسایی محل وقوع مال غیرمنقول به‌عنوان پایگاه رابطه حقوقی مورد نزاع، دسترسی دادگاه محل وقوع مال به اسناد و مدارک مرتبط با آن و نیز سهولت اجرای حکم راجع به غیرمنقول در کشور محل وقوع آن دانسته‌اند. به این ترتیب از آنجا که حکم خارجی راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران قابلیت اجرا در ایران ندارد، توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با مال غیرمنقول واقع در ایران معتبر نیست.

نکته دیگری که انحصاری بودن صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول واقع در ایران را تقویت می‌کند، توجه به برخی معاهدات منعقد شده میان ایران و سایر کشورهاست. از جمله در ماده ۱۹ موافقت‌نامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی، مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ آمده است: «در موضوعاتی که به مواردی به‌جز اموال غیرمنقول مربوط می‌شوند، دادگاه‌های طرفین در موارد زیر دارای صلاحیت خواهند بود: ج) یا توسط توافقی به هر شکل بین خواهان و خوانده در مورد تعهدات قراردادی که به دعوا منتهی شده‌اند وجود داشته باشد یا اینکه تعهدات در قلمرو آن طرف اجرا شده و یا باید اجرا شوند. ه) چنانچه خوانده به هر شکلی صلاحیت دادگاه را پذیرفته باشد...». گرچه احکام معاهدات مزبور، خاص بوده و مرتبط با موضوعات مرتبط با همان معاهده است، وجود چنین ضوابطی در این معاهدات نشانگر رویکرد قانونگذار ایرانی مبنی بر به‌رسمیت‌شناختن صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران در رسیدگی به اموال غیرمنقول واقع در ایران است. ذکر این نکته ضروری است که برخی صاحب‌نظران ایرانی^{۶۳} در خصوص دادگاه صالح در رسیدگی به دعاوی ترکیبی غیرمنقول بیان داشته‌اند که از آنجا که در دعاوی راجع به غیرمنقول،

۶۱. سلجوقی؛ همان، ص ۵۵۱.

۶۲. صفایی؛ همان، صص ۱۹۸-۱۹۷ و ارفع‌نیا؛ همان، صص ۱۹۲-۱۹۱.

۶۳. صفایی؛ همان، ص ۲۰۲.

دادگاه محل وقوع مال^{۶۴} و در مورد دعاوی راجع به ترکه، دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی^{۶۵} صالح است، هرگاه دعوایی راجع به ارثیه غیرمنقول مطرح شود و محل وقوع مال غیر از محل اقامتگاه متوفی باشد مدعی می‌تواند به دادگاه محل وقوع مال یا دادگاه اقامتگاه متوفی رجوع کند. با این حال به نظر می‌رسد که با توجه به آنچه بیان شد و اینکه دعاوی مربوط به ترکه غیرمنقول، جزء دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول و از مصادیق بند ۷ قانون اجرای احکام مدنی هستند، دادگاه‌های ایرانی در رسیدگی به دعاوی مربوط به ترکه غیرمنقول واقع در ایران صلاحیت انحصاری دارند؛ ضمن اینکه دلایلی که برای انحصار رسیدگی دادگاه‌های ایرانی در مورد دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول بیان شد در خصوص دعاوی مربوط به ترکه غیرمنقول نیز صادق است.

یکی دیگر از مواردی که دادگاه‌های ایرانی صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به آن‌ها را دارند دعاوی مرتبط با اقدامات تأمینی و موقتی است. برخی حقوق‌دانان ایرانی^{۶۶} ضمن ارائه مفهوم قوانین انتظامی به‌عنوان قوانین حافظ نظم در جامعه و قوانینی که نظر به حفظ منافع جامعه دارند، بیان داشته‌اند رویه قضایی فرانسه اقدامات تأمینی فوری را در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های فرانسه می‌داند. اقدامات تأمینی و موقتی در مواردی اعمال می‌شوند که حق یکی از طرفین در معرض تضییع یا تفریط قرار گرفته یا مالی در شرف از بین رفتن است و انتظار برای اقدام در مواجهه با چنین مسائلی تا زمان صدور حکم ممکن است باعث شود که حتی پیش از صدور حکم به نفع یکی از طرفین به دلیل حدوث مسائل فوق، وی به حق خود نرسد.

در حقوق ایران، موارد صدور دستور موقت، در مواد ۳۱۰ تا ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران بیان شده است. ماده ۳۱۱ مقرر می‌دارد: «چنانچه اصل دعوا در دادگاهی مطرح باشد، مرجع درخواست دستور موقت، همان دادگاه خواهد بود و در غیر این صورت، مرجع درخواست، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد». ماده ۳۱۲ نیز تصریح کرده: «هرگاه موضوع درخواست دستور موقت، در مقر دادگاهی غیر از دادگاه‌های یادشده در ماده قبل باشد، درخواست دستور موقت از آن دادگاه به عمل می‌آید، اگرچه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را نداشته باشد». عبارات این دو ماده حاکی از این است که قانونگذار ایران لازم دانسته که دستور راجع به اقدامات موقتی و تأمینی باید توسط دادگاهی صادر شود که انجام آن اقدامات در مقر آن دادگاه به عمل خواهد آمد، اگرچه آن دادگاه صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را نداشته باشد. از آنجا که قوانین ایران در خصوص دادگاه صالح در خصوص درخواست اقدامات موقتی و تأمینی در دعاوی بین‌المللی تعیین تکلیف نکرده و چاره‌ای جز اعمال مقررات فوق در دعاوی بین‌المللی نیست می‌توان گفت

۶۴. ن.ک: ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹.

۶۵. ن.ک: ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹.

۶۶. صفایی؛ همان، صص ۲۰۳-۲۰۲.

چنانچه اقدامات مزبور باید در ایران انجام شود، دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری را برای رسیدگی به درخواست مربوط به این اقدامات دارند.^{۶۷} همچنین شایان ذکر است که اداره حقوقی قوه قضاییه بیان داشته: «طبق ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، احکام دادگاه‌های خارجی در امور مدنی تحت شرایطی در ایران قابل اجرا است که از جمله آن‌ها شرط عدم صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران است. با توجه به مراتب مرقوم و اینکه دستور موقت، حکم نیست، لذا مشمول مقررات راجع به ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی نبوده و قابل اجرا نیست».^{۶۸} چنانچه دستور موقت طبق این نظریه، حکم محسوب نشود، در ایران قابل شناسایی و اجرا نیست و بنابراین مطابق این نظریه، دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به این‌گونه اقدامات دارند و رأی دادگاه خارجی در این موارد قابل اجرا در ایران نیست.

مناسب است در این قسمت به خلاصه تصمیم نهایی شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران اشاره شود که پذیرش توافق بر سلب صلاحیت دادگاه‌های ایرانی را پذیرفته است.^{۶۹} در این دعوا که منشأ اختلاف، قرارداد حمل و نقل کالا بود، خواهان (مرسل‌الیه) با خواسته جبران خسارت ناشی از تخلیه بار و سایر متفرعات، دعوایی را علیه فرستنده کالا و متصدی حمل در دادگاه ایران اقامه کرد. خوانده با بیان اینکه مطابق بارنامه توافق شده که رسیدگی به هرگونه ادعا و شکایت ناشی از سند مزبور در صلاحیت محاکم قضایی کشور انگلستان باشد به صلاحیت دادگاه ایرانی ایراد کرد. دادگاه با بیان اینکه دعوای مزبور، دعوای بین‌المللی است و بارنامه جایگزین قرارداد حمل است و اطراف قرارداد در بارنامه مزبور توافق کرده‌اند که هرگونه ادعا یا اختلاف ناشی از آن در صلاحیت دادگاه‌های انگلستان باشد با استناد به مواد ۲ و ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۹۴ قانون دریایی، مصوب ۱۳۴۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۱۰، ۱۹۳ و ۱۹۶ قانون مدنی، دعوای خواهان را در دادگاه ایرانی قابل استماع ندانسته و قرار عدم استماع دعوا را صادر کرد و بدین ترتیب، توافق بر سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران را پذیرفت. دادگاه در حکم مزبور مقرر کرد که از آنجا که قانون ایران در خصوص امکان انتخاب دادگاه خارجی توسط طرفین قرارداد بین‌المللی ساکت است، مستند به ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۹۴ قانون دریایی ایران، مصوب ۱۳۴۳ با اصلاحات بعدی، دادگاه مکلف است حکمی مطابق اصول حقوقی صادر کند. لذا در همین رابطه این دادگاه ضمن شناسایی اصل حاکمیت اراده به‌عنوان اصل حقوقی، توافق طرفین بر انتخاب

۶۷. کابری، محمدمجد و اعظم انصاری؛ «شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مطالعات حقوقی،

دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۴۵-۲۴۴.

۶۸. عرفانی، سیما؛ مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و امریکا همراه با رویه قضایی، جنگل

جاودانه، ۱۳۹۵، ص ۹۵. نظریه شماره ۷/۱۷۹۲-۷۷/۳/۴.

۶۹. شماره ۰۷۶۵-۰۲۲۷۲-۰۹۹۷۰۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲.

دادگاه صالح را به رسمیت می‌شناسد.

با این حال، استناد به اصول حقوقی در این موضوع قابل انتقاد است چرا که ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند...». همچنین ماده ۱۹۴ قانون دریایی ایران مقرر می‌دارد: «در مواردی که در این قانون و یا سایر قوانین مملکتی پیش‌بینی نشده است، ملاک، اصول و عرف بین‌المللی خواهد بود».

از این دو ماده روشن می‌شود که در موردی قاضی می‌تواند به اصول کلی توسل کند که حکمی در قانون وجود نداشته باشد، در حالی که همان‌طور که بیان شد، ماده ۹۷۱ قانون مدنی شرط سلب صلاحیت دادگاه‌های ایران را در صورتی که راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور مزبور نباشد، صحیح و معتبر می‌داند.

در این رأی دادگاه بیان داشته که «اعتبار حاکمیت اراده طرفین درباره این موضوع، مطلق نیست و محدودیت‌های موضوعی و شخصی در این‌باره وجود دارد. دادگاه به‌روشنی بر این امر تأکید کرده که چنانچه دعوی موضوع توافق اطراف بر انتخاب دادگاه خارجی از جمله موضوعاتی نباشد که در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران است، توافق معتبر است. قانونگذار ایران موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران را مشخص نکرده و تعیین آن را بر عهده قضات نهاده است. در هر حال، دادگاه دعوی مورد نظر را راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران ندانسته و به همین جهت، شرط سلب صلاحیت را در دعوی مورد نظر معتبر دانسته است.

دادگاه در رأی خود و در راستای توجیه اعتبار شرط صلاحیت دادگاه به ماده ۱۰ قانون مدنی ایران استناد کرده است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». به نظر می‌رسد گرچه نظر دادگاه مبنی بر صحت شرط صلاحیت دادگاه، جز در مواردی که موضوع راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران است قابل پذیرش است، با توجه به نکاتی که بیان شد، دادگاه علاوه بر ماده ۱۰ می‌بایست به ماده ۹۷۱ قانون مدنی استناد می‌کرد. مطابق این ماده در صورتی که موضوع دعوا از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، شرط سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایران، صحیح و معتبر است.

دادگاه مزبور در نهایت، دعوی خواهان را در دادگاه ایرانی قابل استماع ندانست و قرار عدم استماع دعوا را صادر کرد. اصدار قرار عدم استماع دعوا در این‌گونه موارد، کاملاً صحیح و مناسب است و دادگاه نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند چرا که در واقع دادگاه مزبور طبق

قواعد صلاحیت، صالح به رسیدگی هست اما به دلیل توافق طرفین، قادر به استفاده از این صلاحیت و رسیدگی به دعوا نیست. در هر حال، رویکرد دادگاه در خصوص پذیرش شرط سلب صلاحیت غیرانحصاری دادگاه ایرانی مورد قبول است هرچند نادیده گرفتن ماده ۹۷۱ قانون مدنی در کنار بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در توجیه این نظر، قابل انتقاد است.

رویکرد پذیرش سلب صلاحیت غیرانحصاری با توجه به برخی موافقت‌نامه‌های همکاری و معاضدت قضایی که میان ایران و برخی کشورها منعقد شده است نیز تقویت می‌شود. به‌عنوان مثال، ماده ۱۸ موافقت‌نامه معاضدت در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان، مصوب ۱۳۸۶/۳/۱۲ ابتدا در بند ۱ محل سکونت دائم شخص حقیقی یا مرکز اداری، نمایندگی یا شعبه شخص حقوقی را معیار تعیین صلاحیت دادگاه‌های دو کشور تعیین می‌کند؛ سپس در بند ۲ بیان می‌کند که: «۲- دادگاه‌های طرف‌های متعاقد به موارد دیگری هم به شرط وجود توافق کتبی طرفین اختلاف رسیدگی می‌کنند. در صورتی که خوانده قبل از دفاع در ماهیت دعوا وجود توافق کتبی را اعلام کند، دادگاه به درخواست وی دعوا را متوقف می‌کند. صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها نمی‌تواند بنا به توافق طرفین تغییر پیدا کند».^{۷۰}

برخی از حقوق‌دانان برای تأیید امکان سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایرانی به موضوع اقامتگاه قراردادی استناد کرده‌اند. در ادامه این دیدگاه تبیین و اعتبار حقوقی آن ارزیابی می‌شود.

۵-۳. استفاده از اقامتگاه قراردادی در پذیرش سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایرانی

عده‌ای از حقوق‌دانان^{۷۱} معتقدند که ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی به‌طور غیرمستقیم دلالت دارد که اطراف قراردادهای بین‌المللی می‌توانند با تعیین اقامتگاه انتخابی در کشور خارجی، دادگاه کشور معینی را به‌عنوان دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلافات ناشی از همان قرارداد برگزینند. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آن‌ها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد، نسبت به دعاوی راجع به آن معامله، همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوا و اخطار، محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند».

۷۰. مشابه این ماده در ماده ۲۱ موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در امور مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶ و ماده ۲۱ موافقت‌نامه معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه، مصوب ۱۳۷۸/۹/۲۰ مقرر شده است.

۷۱. سلجوقی؛ همان، ص ۴۴۳؛ مافی و ادبی فیروزجایی؛ همان، ص ۵۷.

مطابق این ماده، طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها می‌توانند برای اجرای تعهدات ناشی از آن، محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کنند و به این ترتیب، محلی که انتخاب کرده‌اند نسبت به دعوای ناشی از آن قرارداد، اقامتگاه طرفین یا یکی از آن‌ها محسوب می‌شود.^{۷۲} البته اعتبار اقامتگاه مزبور، نسبی و محدود به همان رابطه حقوقی است و نسبت به شخص ثالث اثر ندارد.^{۷۳} همچنین تأثیر این اقامتگاه در صلاحیت محلی دادگاه در صورتی است که ملاک صلاحیت محلی دادگاه در رسیدگی به دعوای مورد نظر، تنها اقامتگاه خوانده باشد. به این ترتیب، چنانچه مطابق سایر قواعد صلاحیت نسبی، دعوا در صلاحیت دادگاهی غیر از محل اقامت خوانده باشد، تعیین اقامتگاه فی‌نفسه در تعیین دادگاه صالح مؤثر نخواهد بود. در توضیح چرایی وضع چنین قاعده‌ای می‌توان گفت همان‌طور که قبلاً بیان شد، توافق اشخاص برخلاف قواعد صلاحیت نسبی در حقوق داخلی امکان‌پذیر است زیرا قواعد مزبور از جمله قواعد تکمیلی محسوب می‌شوند و ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی یکی از شیوه‌هایی است که اشخاص می‌توانند با توسل به آن، تغییراتی نسبت به قواعد صلاحیت محلی به وجود آورند و با تعیین اقامتگاه، دادگاهی غیر از دادگاه محل اقامت خوانده را صالح به رسیدگی به دعوا کنند.^{۷۴}

در هر حال باید توجه داشت که ماده مزبور راجع به امکان تغییر قواعد صلاحیت محلی یا نسبی در مورد دعوای داخلی است و امکان اعمال آن در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر، اشخاص نمی‌توانند در قراردادهای بین‌المللی برای انتخاب دادگاه خارجی به‌جای توافق بر تعیین دادگاه خارجی یا شرط دادگاه صالح، اقامتگاه قراردادی خود را در خارج از کشور تعیین کنند. در صورت درج چنین شرطی، این شرط غیرمعتبر بوده و تغییری در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران ایجاد نمی‌کند و دادگاه‌های ایران در این صورت، اقامتگاه حقیقی شخص را ملاک می‌دانند. دلیل این امر آن است که گرچه قانونگذار ایران قواعد خاصی برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع نکرده و همان قواعد صلاحیت داخلی برای احراز صلاحیت دادگاه‌های ایران در دعوای بین‌المللی اعمال می‌شود، این بدان معنا نیست که بتوان هر حکمی را که در مورد دعوای داخلی در حقوق ایران مقرر شده به دعوای بین‌المللی نیز تسری داد. به عبارت دیگر، قواعد صلاحیت داخلی تنها در حد ضرورت باید برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها اعمال شود. از سوی دیگر، علت امکان توافق برخلاف قواعد صلاحیت نسبی در دعوای داخلی این است که انگیزه قانونگذار از وضع قواعد صلاحیت نسبی، رعایت مصلحت خصوصی اصحاب دعوا و همچنین ارائه تسهیلاتی مانند دادرسی آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است؛ اما در اعمال قواعد صلاحیت بین‌المللی

۷۲. شمس؛ همان، ص ۱۶۵.

۷۳. کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، میزان، ۱۳۸۷، ص ۶۱۷؛ شمس؛ همان.

۷۴. شاه‌حیدری‌پور؛ همان، ص ۸۴.

دادگاه‌ها باید هم منافع خصوصی اطراف دعوا و هم منافع عمومی را مدنظر قرار داد. در نتیجه با عنایت به مطالبی که بیان شد و همچنین با توجه به اینکه ماده ۹۷۱ قانون مدنی، توافق سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران را معتبر نمی‌داند مگر اینکه توافق مزبور راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، می‌توان گفت که تعیین اقامتگاه انتخابی در خارج از کشور در قراردادهای بین‌المللی به‌جای شرط انتخاب دادگاه خارجی به‌عنوان دادگاه صالح، با مفاد ماده ۹۷۱ قانون مدنی که از قواعد امری و موارد مهم نظم عمومی محسوب می‌شود تعارض دارد و پذیرفته نیست. چنین شرطی می‌تواند از موارد تقلب نسبت به قانون و صلاحیت دادگاه‌های ایران محسوب شود. رأی شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران به تاریخ ۱۳۹۴/۹/۲ که بدان اشاره شد نیز این نظر را تأیید می‌کند. دادگاه در رأی مذکور مقرر کرد که «پذیرش اصل حاکمیت اراده در گزینش دادگاه خارجی، مانع از آن می‌شود که در سیستم قضایی ایران، طرفین به‌جای شرط صلاحیت قضایی و تعیین دادگاه، شرط اقامتگاه انتخابی خود (موضوع ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی) را در حوزه قضایی کشور مورد نظر خود درج نموده تا دادگاه ایرانی را به تبعیت از اراده خود وادار نمایند زیرا چنین اقدامی فاقد هرگونه توجیه حقوقی و زمینه‌ای برای تقلب نسبت به قانون فراهم می‌آورد».

البته باید توجه داشت که تعیین اقامتگاه برای طرح دعوا در خارج از کشور قابل قبول نیست مگر اینکه در این خصوص معاهده‌ای وجود داشته باشد و انتخاب محلی برای طرح دعوا از موارد ضمنی تعیین دادگاه صالح شناخته شده باشد. برای مثال، در ماده ۳۳ قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه، مصوب ۱۳۸۱ آمده است: «۱- دادگاه‌های کشوری که به رسمیت شناختن حکم آن‌ها درخواست شده در صورتی طبق مفاد این موافقت‌نامه صلاحیت‌دار شناخته می‌شوند که: ... ج) مدعی علیه صراحتاً صلاحیت دادگاه‌ها را در آن کشور بپذیرد یا محلی را برای طرح دعوا در صورت بروز اختلاف انتخاب کند، یا بدون اینکه به صلاحیت دادگاه ایراد کند وارد ماهیت دعوا شده باشد...».

نتیجه

درج شرط دادگاه صالح در کنار شرط قانون حاکم بر قرارداد در قراردادهای تجاری بین‌المللی رواج بسیاری دارد. شرط توافق بر دادگاه از دو منظر ایجابی و سلبی مورد توجه است. وضعیت شرط مزبور که در واقع مرتبط با صلاحیت محلی دادگاه‌ها است در حقوق ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در مواردی که طرفین بر صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوا توافق می‌کنند با استناد به اصل ۳۴ قانون اساسی ایران و هماهنگ با سایر نظام‌های حقوقی، چنین شرطی معتبر

شمرده می‌شود، اما در خصوص شرط توافق بر دادگاه که منجر به سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایرانی می‌شود تردید جدی وجود دارد. گرچه مقرر صریحی در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار شرط مزبور در مقررات ایران وجود ندارد، توجه به ماده ۹۷۱ قانون مدنی در کنار شرط شناسایی و اجرای احکام خارجی مندرج در بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران، روشن می‌سازد که جز در صورتی که موضوع مرتبط با صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران (مانند صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با اموال غیرمنقول واقع در ایران) باشد، شرط سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایرانی صحیح و معتبر است. آرای برخی دادگاه‌های ایرانی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند. دیدگاه مزبور علاوه بر اینکه به منافع اشخاص در تعیین دادگاه صالح و حاکمیت اراده آن‌ها توجه کرده، با مقررات برخی کشورهای توسعه‌یافته و اسناد بین‌المللی در زمینه اعتبار شرط توافق بر دادگاه هماهنگ است.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

- ارفع‌نیا، بهشید؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد دوم – تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها، چاپ چهارم، بهتاب، ۱۳۸۳.
- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی؛ آیین دادرسی مدنی – صلاحیت دادگاه‌ها – مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان، آداک، ۱۳۹۱.
- سلجوقی، محمود؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد دوم، چاپ ششم، میزان، ۱۳۸۷.
- شایگان، اسماعیل؛ شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
- شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، دوره بنیادین، جلد اول، چاپ چهل‌وهفتم، دراک، ۱۳۹۶.
- شیخ‌الاسلامی، سید محسن؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، گنج دانش، ۱۳۸۴.
- شیروی، عبدالحسین؛ حقوق تجارت بین‌الملل، ویراست دوم، چاپ هفتم، سمت، ۱۳۹۳.
- صفایی، سیدحسین؛ مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، میزان، ۱۳۷۴.
- عرفانی، سیما؛ مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و امریکا همراه با رویه قضایی، جنگل جاودانه، ۱۳۹۵.
- غمامی، مجید و حسن محسنی؛ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، میزان، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ویرایش سوم، چاپ هفدهم، میزان، ۱۳۸۷.

– مقاله

- ایزدی، علی؛ «قابلیت اعمال قواعد امر مختومه، امر مطروحه و محکمه نامناسب برای حل تعارض محاکم بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی‌وسوم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- خدابخشی، عبدالله، اعظم انصاری و محمدمجد کابری؛ «شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر»، حقوق خصوصی، شماره ۲، ۱۳۹۷.
- عابدی، محمدتقی؛ «صلاحیت قضایی و صلاحیت داوری – تحلیلی بر یک رأی صادره در مسئله صلاحیت»، مجله حقوقی، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- کابری، محمدمجد و اعظم انصاری؛ «شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین‌الملل

- خصوصی، «مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.
- مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی؛ «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- مقصودی، رضا؛ «دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- _____؛ «سوءاستفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
- _____؛ «دکترین دادگاه نامناسب در حقوق بین‌الملل خصوصی»، نامه مفید، شماره ۹۴، ۱۳۹۱.
- _____؛ «شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مجله پژوهشنامه حقوقی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- _____؛ «صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال سی و چهارم، شماره ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

ب. عربی

- کتاب

- الروبی، محمد؛ دور الاراده فی تحديد الاختصاص القضائی الدولی، الطبعة الاولى، دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۸.
- خالد، هشام؛ قواعد الاختصاص القضائی الدولی و تعلقها بالنظام العام، الطبعة الاولى، منشأ المعارف، ۲۰۰۰.
- سلامه، عبدالکریم؛ فقه المرافعات المدنیة الدولیة، الطبعة الاولى، دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۰.
- صادق، هشام؛ تنازع الاختصاص القضائی الدولی، الطبعة الاولى، منشأ المعارف، ۱۹۷۲.
- _____؛ مدی حق القضاء المصری فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنیة و التجاریة، ۲۰۱۴، قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIm> آخرین بازدید در ۱۳ اسفند ۹۷.
- عبدالله، عزالدین؛ القانون الدولی الخاص، الجزء الثانی، الطبعة التاسعة، الهیئة العامة للكتاب، ۱۹۸۶.
- محمد خلیل، خالد عبدالفتاح؛ تعاضم دور الاراده فی القانون الدولی الخاص، الطبعة الاولى، دارالنهضة العربیة، ۲۰۱۴.

ج. انگلیسی

- Book

- Brand, Ronald A., Herrup, Paul, *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements: Commentary and Documents*, Cambridge University Press, 2008.

-Articles

- Ahmed, Mukarrum and Beaumont, Paul, “Exclusive Choice of Court Agreements: Some Issues on the Hague Convention on Choice of Court Agreements and Its Relationship with the Brussels I Recast Especially Anti-Suit Injunctions, Concurrent Proceedings and the Implications of BREXIT”, *Centre for Private International Law Aberdeen Working Paper Series*, Working Paper No. 5, 2016.
- Clermont, Kevin M., “Governing Law on Forum-Selection Agreements”, *Hastings Law Journal*, Vol. 66, 2015.

- Instruments

- ALI/ UNIDROIT Principles of Transnational Civil Procedure.
- Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters, 1968.
- Council Regulation (EC) No. 44/2001 of 22 December 2000 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (‘Brussels I’).
- Hague Convention on Choice of Court Agreements, 2005.
- The Regulation (EU) No. 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (Recast) (‘Brussels I Recast’).